

کروسی ماه و خوار بستید



نویسنده: محمد کاظم مزینانی

تصویرگر: محمد مهدی طباطبائی

کروسی ماه و خوار بستید

مقدمه :

سالروز ازدواج حضرت علی (ع) و حضرت فاطمه (س) چند سالی است که به عنوان روز خانواده نامگذاری شده است .

آن دو معصوم بزرگ ، با پیوند آسمانی شان خانواده ای نورانی را بنیان نهادند که از درون آن ، ستارگان هدایت جامعه، پا به عرصه هستی گذاشتند و دنیا را به نور خود آراستند . محمد کاظم مزینانی شاعر کودکان و نوجوانان ، این ازدواج خجسته را به شکل داستانی دلپذیر برای مخاطب خویش به رشته تحریر در آورده و محمد مهدی طباطبائی هم تصویرهای زیبا و لطیفی برای این کتاب تدارک دیده است . این کتاب توسط انتشارات زیتون به چاپ دوم رسیده .

با هم بخشی از این کتاب را می خوانیم . این قسمت از داستان انتخابی ، از زبان دستاس نقل می شود. دستاس وسیله ای بوده که در زمان قدیم توسط آن گندم و جو را آرد می کردند. دستاس ، این داستان را برای بقیه وسایل خانه تعریف می کند وسایلی که بزودی جزو جهیزیه حضرت زهرا س خواهند شد...

چه دختری! چه قصه عجیبی!

همه با تعجب به یکدیگر نگاه کردند . دستاس سیاه گفت: حالا بشنوید از پیامبر که چقدر به دخترش علاقه داشت. یک روز من خودم از زبان او شنیدم که می گفت: هر وقت من دخترم را در آغوش می گیرم، بوی بهشت را از او می شنوم.

__ بعدش چی شد، بعدش؟

__ هیچی، دختر آسمانی روز به روز بزرگ و بزرگتر می شد تا اینکه یک روز در خانه آنها به صدا درآمد و پسر عموی پیامبر به خانه آنها پا گذاشت. او رفت، روبروی پیامبر نشست، سرش را پایین انداخت و گفت: می خواهم فاطمه را خواستگاری کنم. پیامبر ، دخترش را صدا زد و همه چیز را به او گفت. دختر آسمانی نگفت آری و نگفت نه. اما از نگاهش معلوم بود که از ته دل راضی است.

چند روز بعد پیامبر چند نفر را به بازار فرستاد تا برای دخترش جهیزیه بخرند، آنها هم رفتند و شماها را از بازار خریدند و به خانه آوردند. خوش به حال شما که جهیزیه دختر آسمانی هستید. امروز وقتی چشم پیامبر به شماها افتاد، سرش را بلند کرد و گفت: خدایا! این ازدواج را برای کسانی که بیش تر ظرفهایشان گلی است، مبارک گردان!

